

بررسی حقوقی کودک همسری و آسیب‌های ناشی از آن از منظر حقوق بشر و اسناد بین‌الملل

احلام طائی*

دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق بین‌الملل، حقوق، دانشگاه پیام نور، دزفول، خوزستان، ایران

عبدالکریم شاحیدر

استادیار، حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

ازدواج در اغلب جوامع امروزی، و به ویژه در جوامع سنتی، نقطه آغاز زوجیت و خانواده است که با تولد فرزند کامل می‌شود این حق هم در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد اشاره قرار گرفته که این خود حاکی از انفکاک ناپذیری حقوق بشر است. ازدواج کودکان به دلیل شیوع و آثار غیرقابل جبرانی که بر وضعیت آنان و به ویژه کودکان دختر دارد یکی از دغدغه‌های جامعه بین‌المللی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر با تأکید بر اهمیت تعیین حداقل سن ازدواج و ارتباط آن با رضایت به ازدواج به آن پرداخته شده است. به موجب این اسناد کشورهای عضو ملزم به تعیین حداقل سن برای ازدواج هستند که این سن باید به گونه‌ای تعیین گردد که رضایت شخص به ازدواج بتواند معتبر تلقی شود. البته صرف تعیین این سن و جرم‌انگاری ازدواج زودهنگام و اجباری بدون پرداختن به ریشه‌های آن نه تنها این معضل را حل نمی‌کند بلکه می‌تواند سایر حقوق فرد را تحت - الشعاع قرار دهد.

واژگان کلیدی: کودک همسری، اسناد بین‌المللی، حقوق بشر، ازدواج زودهنگام و اجباری، اصل منع تبعیض.

مقدمه

نهاد ازدواج یکی از قدیمی ترین نهادها در اجتماعات مختلف بشری است، هرچند که قانونمند کردن آن امری متأخر است و به قدمت خود این نهاد نمی رسد امروزه برای قانونمندسازی این نهاد، دولت ها از لحاظ شرایط و موانعی، محدودیت هایی را بر آن بار می کنند. در قانون این کشورها به اموری که وجودشان برای درستی عقد ضرورت دارد و کیفیاتی که وجودشان مانع از وقوع عقد است یا نبودن آنها شرط درستی عقد می باشد اشاره شده و این ها از مواردی هستند که طرفین نمی توانند برخلاف آنها توافق کنند.

ازدواج کودکان یا کودک همسری نوعی ازدواج رسمی یا غیررسمی است که در آن فرد قبل از رسیدن به هجده سالگی یا حتی گاهی قبل رسیدن به بلوغ وارد پیمان زناشویی می شود. کودک همسری هم در مورد کودکان دختر و هم کودکان پسر به کار می رود که با مردان و زنان بزرگسال یا به اجبار حاصل از سنت های قومی یا مشکلات اقتصادی اجتماعی خانواده ازدواج می کنند.

با توجه به این که نکاح دختران قبل از ۱۵ سال تمام و پسران قبل از ۱۸ سال تمام در قانون مورد توجه قرار گرفته است. در عرف جامعه مسلمانان به کودک همسری مشهور و معروف شده است. اجمال و ابهام قانون در خصوص ازدواج کودکان، سن ازدواج و مصلحت در ازدواج کودکان با قابلیت موجود در رویه های قضایی و نقش قضات در تطبیق مصادیق برطرف می شود و با اصلاح این ضعف قانونی، حمایت از کودکان در برابر ازدواج های زود هنگام تضمین می گردد. (سیاه بیدی کرمانشاهی و بهرامپوری، ۱۳۹۳).

کودک همسری، حالتی است که سن یکی از زوجین یا هر دوی آنها در زمان ازدواج از سن بلوغ کمتر باشد. به لحاظ تاریخی در دوران پدرسالاری، کودک همسری رواج بیشتری داشته و در آن دوران هیچگاه مشکل اجتماعی نبوده است؛ اما با پیشرفت جوامع بشری و افول پدرسالاری، ممنوعیت کودک همسری نیز پررنگ شد. این مسئله موافقان و مخالفان متعددی دارد و از دیرباز در کتاب های فقهی درباره آن صحبت شده است. از یکسو موضوع کودک همسری، پیشینه فقهی دارد و فقها فتاوی متعددی در این زمینه ارائه کرده اند و از سوی دیگر از نخستین متن قانون مدنی درباره نکاح و خانواده (مصوب ۱۳۱۴) این موضوع مورد نظر بوده و در ماده ۱۰۴۱ این قانون محدودیت هایی برای این نوع نکاح پیش بینی شده است. نخستین سندی که در آن، تعریف دقیقی از کودک ارائه شده است، کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ می باشد، که در ماده یک آن منظور از کودک هر انسان کمتر از ۱۸ سال سن است، مگر آنکه طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتری تعیین شده باشد. پس از کنوانسیون ۱۹۸۹ تلاش های فراوانی در راستای تبیین مفهوم کودک و همچنین رعایت غبطه و مصلحت کودک انجام گرفت که از آن جمله می توان به مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی مصوب ۱۹۹۰ اشاره کرد. در بند الف بخش دوم شماره یک مقررات م، زبور نوجوان هر شخص کمتر از ۱۸ سال است نباید کمتر از این سن، اجازه داد کودک از آزادی محروم شود، مگر آنکه قانون تعیین کرده باشد.

از آن جایی که عوامل مختلفی از جمله سن ازدواج بر کیفیت تشکیل خانواده موفق اثرگذارند، خانواده ها باید توسط افراد توانمند و بالغ تشکیل شوند تا بتوانند وظایف عنوان شده را ایفا کنند و هر گاه طرفین تشکیل دهنده خانواده آمادگی لازم را به دلیل سن کم نداشته باشند ازدواج کودکان اتفاق می افتد. توجه جهانی به این پدیده و تلاش های صورت گرفته در این زمینه موجب شده است میزان ازدواج زود هنگام به طور کلی روند کاهشی پیدا کند، با این وجود درصد چشمگیری از کودکان هنوز در زیر سن قانونی جامعه خود ازدواج می کنند (احمدی، ۱۴۰۰). که به دلیل آثار زیان باری که برای کودکان دارند نیازمند توجه جدی تر دولت ها و قانون گذاران به این مقوله هستیم تا با وضع قوانین مناسب، ازدواج در سنین کم جز در موارد استثنایی و در صورت مصلحت به حداقل ممکن برسد و از این طریق امنیت، آرامش و فرصت پیشرفت برای کودکان به خصوص دختران که ازدواج کودکان در میان آنها بیشتر است، فراهم شود. ازدواج کودکان به دلیل شیوع و آثار غیرقابل جبرانی که بر وضعیت آنان و به ویژه کودکان دختر دارد یکی از دغدغه های جامعه بین المللی است که در اسناد بین المللی حقوق بشر با تاکید بر اهمیت تعیین حداقل سن ازدواج و ارتباط آن با رضایت به ازدواج به آن پرداخته شده است. به موجب این اسناد کشورهای عضو ملزم به تعیین حداقل سن برای ازدواج هستند که این سن باید به گونه ای تعیین گردد که رضایت شخص به ازدواج بتواند معتبر تلقی شود. البته صرف تعیین این سن و جرم انگاری ازدواج زود هنگام و اجباری بدون پرداختن به ریشه های آن نه تنها این معضل را حل نمی کند بلکه می تواند سایر حقوق فرد را تحت الشعاع قرار دهد. پژوهش پیش رو ابعاد حقوقی کودک همسری را در نظام بین المللی مورد بررسی قرار می دهد و با مروری بر این اسناد و نظریات تفسیری علاوه بر مشخص نمودن

جزئیات آن‌ها به وضعیت نظام حقوقی بین المللی در این خصوص اشاره داشته و پیشنهادهایی ارائه خواهد شد. در واقع مسئله اساسی پژوهش حول این محور است که کودکان به دلیل ویژگی‌هایی که از نظر سنی دارند بسیار آسیب پذیر تر هستند و پدیده کودک همسری یکی از معضلاتی که همواره گریبان گیر جوامع بشری بوده و هست.

تعاریف و مفاهیم

کودک

در تعریف برخی از حقوق‌دانان اشاره شده است به این که مقنن از میان تمامی نشانه‌های بلوغ مذکور، صرفاً به رسیدن صغیر به سن معین اکتفا نموده و سن را اماره‌ی بلوغ دانسته است، هرچند که سایر نشانه‌ها ظاهر نشده باشد؛ در صورتی که سن به همراه سایر نشانه‌ها اماره‌ی بلوغ محسوب می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۳). اما طبق نظر برخی از بزرگان از طریق جمع بین اخبار می‌توان گفت «آنچه به کودک اهلیت و صلاحیت می‌بخشد انقلاب جسمی و روانی است و سن یکی از اماره‌های وقوع چنین انقلابی است که در زبان عرف و حقوق بلوغ نامیده می‌شود» (گرچی، ۱۳۹۲).

دوره‌ی کودکی از زمان انعقاد نطفه در رحم مادر شروع می‌شود. با پایان دوران کودکی و صغر، فرد اهلیت انجام حقوقی را پیدا می‌کند. اما اینکه چه زمانی کودک وارد عرصه‌ی بزرگسالی می‌شود ویژگی‌هایی برای آن ذکر کرده‌اند. دانشمندان، بلوغ را انتقال از مرحله‌ی کودکی به بزرگسالی دانسته‌اند. تغییرات فیزیولوژیکی که در این دوره در بدن کودک رخ می‌دهد موجب تحولات جسمی و روانی در او می‌شود.

کودک همسری

منظور از ازدواج کودکان، ازدواج دائم و موقت دختران زیر سن ۱۳ سال و پسران زیر سن ۱۵ سال تمام شمسی است که جهت ثبت نکاح، ولی آن‌ها می‌بایست دلایل خود مبنی بر مصلحت‌آمیز بودن نکاح را در محضر دادگاه خانواده اثبات کند.

پیامدها و آسیب‌های ازدواج در سنین کودکی

امکان بروز آسیب‌های ناشی از ازدواج کودک علاوه بر شخص صغیر، برای خانواده و اطرافیان آن نیز محتمل است. در مورد ازدواج کودک هر چند نمی‌توان مدعی شد که به محض انعقاد عقد، تمامی آسیب‌ها متوجه کودک می‌شود اما می‌توان گفت که در فواصل زمانی مختلف و با کیفیت‌های متفاوت، حداقل یک یا چند مورد آن دامن‌گیر کودک خواهد شد. نکته‌ی دیگری که قبل از ورود به انواع آسیب‌ها می‌بایست به آن اشاره شود، تفاوت‌های ناشی از وراثت، محیط، تغذیه و شرایط روانی است که می‌تواند منجر به تغییر سن مناسب برای ازدواج شود. به‌عنوان مثال ممکن است فردی در سن ۱۲ سالگی شرایط فیزیکی و روانی مناسب ازدواج را داشته باشد و فردی دیگر در سنین بالاتر از ۱۳ سال به شرایط مناسب ازدواج نرسیده باشد. لذا آسیب‌های نامبرده در ادامه‌ی متن بیشتر از آن‌که ناشی از محدوده‌ی سنی خاصی برای ازدواج باشد، اشاره به شرایطی دارد که فرد به تکامل مورد نظر در پارامترهای مورد نیاز برای ازدواج نرسیده است. علاوه بر آن از آنجایی که طبیعتاً آسیب‌های ناشی از ازدواج کودکان بیشتر متوجه کودکان دختر است و از طرفی پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته است، آسیب‌های وارد به دختران را بیشتر مورد توجه قرار داده است، لذا آنچه غالباً در این بخش مطرح می‌گردد پیامدهای این نکاح برای کودک - عروسان است؛ هر چند آسیب‌های ناشی از آن برای پسران نیز کم نبوده و از دید پژوهش‌گران نباید مورد غفلت قرار گیرد.

پیامدهای معنوی آسیب به کودک

پیامدهای آسیب‌های معنوی در اثر ازدواج زود هنگام به کودک به شرح زیر بیان می‌شود:

• ناتمام ماندن دوران کودکی

جدا شدن از دنیای کودکی و به‌طور ناگهانی ورود به دنیای بزرگسالی و زناشویی یکی از بزرگترین آسیب‌هایی است که گریبانگیر کودک همسران می‌شود. طبق نظریه‌ی رشد روانی- اجتماعی اریکسون رشد ۸ مرحله دارد و در هر مرحله میزانی از شخصیت فرد رشد می‌یابد

و شایستگی و صلاحیت یافتگی او تکمیل می‌گردد. اگر مرحله ای به خوبی پشت سر گذاشته شود شخص احساس تسلط می‌کند و اگر خلاف آن صورت بگیرد حس بی کفایتی و ضعف در فرد غالب می‌شود. (افتخارزاده، ۱۳۹۴)

• عدم حق انتخاب و تصمیم گیری

نداشتن قدرت انتخاب و تصمیم گیری از همان ابتدا در زندگی کودک همسران وجود دارد و حتی با گذر زمان و افزایش سن نیز تغییری در مناسبات قدرت در خانواده ایجاد نمی‌شود. گویی که ترس و مطیع بودن و واگذاری حق تصمیم گیری به مرد، در وجود کودک تثبیت می‌شود (افتخارزاده، ۱۳۹۴). این عدم قدرت در تمامی مسائل مالی، خانوادگی و اجتماعی بروز می‌یابد؛ از ناتوانی در انتخاب سفر مشترک گرفته تا تربیت فرزندان و همچنین ازدواج آن‌ها و حتی حق دخالت در نحوه ی خرج کردن دستمزد خود را هم ندارند (افتخارزاده، ۱۳۹۴).

• ترک تحصیل

بازماندن از تحصیلات پیامد دیگر ازدواج کودکان است؛ اکثر دختران پس از ازدواج اقدام به ترک تحصیل می‌کنند. در تحقیقی که در خصوص تاثیر ازدواج زود هنگام بر ترک تحصیل زنان جوان ایرانی صورت گرفته بود نشان داد که ۵۶ درصد از زنان متأهل بین ۱۰ تا ۱۹ سال، علت ترک تحصیل خود را ازدواج بیان کرده‌اند (افتخارزاده، ۱۳۹۴).

نداشتن مهارت در تربیت فرزند

فرزندآوری ناخواسته و بدون برنامه ریزی از دیگر پیامدهای ازدواج کودکان است. عدم آگاهی از مسائل جنسی و زناشویی و عدم استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری منجر به بارداری‌های ناخواسته ی کودک - همسران می‌گردد که در تجارب اولیه منجر به سقط می‌گردد و پس از آن نیز با بارداری‌های مجدد همراه است. هر چند برخی از کودکان از سقطی که داشته‌اند احساس رضایت می‌کنند که نشان دهنده ی عدم آمادگی آنان برای پذیرش نقش مادری است (صفوی و مینایی، ۱۳۹۴). اما برخی نیز خلاف نظر قبلی را داشته و با موجود درون خود انس گرفته و با فقدان آن ابراز ناراحتی می‌کنند (افتخارزاده، ۱۳۹۴). عدم آمادگی برای مادر شدن و فرزند پروری در طول تربیت فرزند تاثیر خود را باقی می‌گذارد و موجب عدم ارتباط مناسب بین مادر و فرزند می‌شود. محیط خانواده فضای گرم خود را از دست می‌دهد و پس از آن نیز چرخه ی ازدواج کودکی دیگر رقم می‌خورد و ازدواج کودک به نوعی موروثی می‌شود یعنی چنین ازدواجی را نیز برای فرزندان و حتی نوه های زنانی که در کودکی پا به عرصه ی زندگی مشترک گذاشتند شاهد هستیم (افتخارزاده، ۱۳۹۴).

• نارضایتی زناشویی و خیانت

نارضایتی مذکور در تمام ابعاد زندگی تاثیر خود را می‌گذارد و کراهت و بی‌زاری زن از همسرش را به دنبال دارد. در غالب موارد این انزجار و نفرت، چه از جانب مرد و چه از جانب زن به خیانت می‌انجامد. مرد همسرش را در رابطه همراه نمی‌بیند و زن نیز که از ابتدا با بی میلی تن به رابطه‌ای یک طرفه داده است و خشونت‌های مکرر جنسی، نفرت را در او تثبیت می‌کند؛ البته خیانت در ازدواج کودکان در یک عامل نمی‌گنجد. به علاوه ازدواج بدون رضایت و عدم انتخاب آگاهانه کودک عامل دیگری است که منجر به ارتباط ضعیف بین زوجین شده و زندگی را با بی‌مهری توأم می‌سازد. عدم ارتباط کلامی و غیرکلامی مناسب و از طرف دیگر عدم حمایت همسر نارضایتی زناشویی را به همراه می‌آورد (صفوی و مینایی، ۱۳۹۹).

طلاق

طلاق نیز آسیب دیگری است که نتیجه‌ی عدم رضایت از زندگی زناشویی است؛ از طرفی کودک بدون آنکه به بلوغ فکری برسد وارد زندگی متأهلی شده و از طرفی در ایفای نقش‌ها و انجام مسئولیت‌های زندگی در مانده شده و توانایی اداره زندگی را از دست می‌دهد و در نهایت طلاق را چاره‌ی کار می‌بیند. نتیجه طلاق گرفتن کودکان هم افزایش فقر در میان زنان است، در حقیقت فقر که خود یکی از عوامل ازدواج زود هنگام بوده است اکنون به وسیله ی طلاق مجدداً به فقر ختم می‌شود (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶ و افتخارزاده، ۱۳۹۴).

• حق ازدواج و تشکیل خانواده در اسناد حقوق بشری

اهمیت خانواده و لزوم حمایت از آن را که یکی از دغدغه‌های جامعه بین المللی است، می‌توان در عهدنامه‌های حقوق بشری معاصر، چه در سطح جهانی و چه منطقه‌ای مشاهده کرد. ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۷ و ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۶ عهدنامه منع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، مواد متعددی در عهدنامه حقوق کودک، عهدنامه حمایت از کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنان، مواد ۸ و ۱۲ عهدنامه اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ماده ۱۶ منشور اجتماعی اروپا و مواد ۱۱ و ۱۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها اختصاص به بحث خانواده و ازدواج دارند و متضمن تکالیف منفی و مثبت برای دولت‌ها در سطوح عمودی (رابطه دولت با شهروندان) و افقی (رابطه بین اشخاص) هستند.

در ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، خانواده به عنوان رکن طبیعی و اساسی اجتماع تلقی شده که حق بهره‌مندی از حمایت جامعه و دولت را دارد بند ۳ و بدون ارائه تعریفی از خانواده، به حق هر زن و مرد بالغی به ازدواج و تشکیل خانواده اشاره نموده است. ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در بند اول به تکرار بند سوم اعلامیه پرداخته و مجدداً بدون ارائه تعریف از خانواده، حق ازدواج و تشکیل خانواده برای زنان و مردانی را از زمانی که به سن ازدواج می‌رسند به رسمیت شناخته است.

ماده ۱۰ میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز با تکرار بند ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و بدون اشاره به مفهوم خانواده، خواستار حد اعلائی کمک و مساعدت را برای تشکیل و استقرار خانواده خواستار شده است. در ماده ۱۶ عهدنامه رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان نیز تنها به تعهد دولت‌ها در رفع تبعیض علیه زنان در کلیه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی اشاره شده است.

در ماده ۲۳ عهدنامه حقوق افراد دارای معلولیت ۱۲ مصوب ۲۰۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز بدون ارائه تعریفی از خانواده به رفع تبعیض علیه افراد دارای معلولیت در موضوع خانواده اشاره و به حق باروری آنان برابر با دیگران و اتخاذ تصمیم آزادانه و مسئولانه در مورد تعداد و فاصله کودکان و روش‌های ضروری به منظور قادر ساختن آنان جهت اعمال حق تشکیل خانواده و باروری تأکید شده است. اجتناب تدوین‌کنندگان این اسناد از وارد شدن به بحث ماهوی تعریف خانواده، از آگاهی از این واقعیت حکایت دارد که خانواده یک مفهوم مبتنی بر فرهنگ است و از جامعه‌ای به جامعه دیگر، علیرغم وجود اشتراکات، می‌تواند متفاوت باشد؛ چنان که حتی در یک جامعه مشخص نیز مفهومی ایستا نیست بلکه انعکاس دهنده ماهیت و تغییراتی است که در طول زمان در آن جامعه اتفاق می‌افتد. لذا درک این که خانواده از چه عناصری تشکیل می‌شود، مستلزم یک تفسیر موسع است که از ازدواج تک همسری و خانواده هسته‌ای تا ازدواج چند همسری و خانواده‌های گسترده می‌تواند امتداد یابد.

بررسی سن کودک و آثار حقوقی آن از منظر اسناد بین المللی

در این قسمت اسناد بین المللی که به بررسی حقوق کودکان و سن آن‌ها برای ازدواج پرداخته‌اند می‌پردازیم.

اسناد بین المللی که ایران عضو آن‌هاست

• کنوانسیون مربوط به رضایت به ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها و توصیه نامه درباره رضایت به ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها

نهاد حقوقی ازدواج - به عنوان مبنای اصلی و مشروع تشکیل خانواده در تمدن بشری - و مسائل مربوط به آن مثل حداقل سن نکاح و ازدواج مبتنی بر رضایت طرفین از جمله موضوعات مهم در جوامع بشری است. در این زمینه کشورهای عضو سازمان ملل متحد در مجمع عمومی این نهاد گرد هم آمده و کنوانسیون بین المللی را که دربرگیرنده پیشنهادهایی درباره بنیان‌های حقوقی ازدواج و امور مرتبط با آن است بر اساس قطعنامه A 1763 مورخ ۷ نوامبر ۱۹۶۲ به تصویب رسانده‌اند. همچنین همان مرجع در سال ۱۹۶۵ توصیه نامه مربوط به این امر را در قالب قطعنامه ۲۰۱۸ به تصویب رسانده است.

البته تفاوت مبانی نکاح در اسلام و حقوق لیبرال، احکام این نهاد را از اساس تحت تأثیر قرار می‌دهد. نکاح در شریعت اسلامی فراتر از یک معامله حقوقی و به عنوان «شبه عبادت» معرفی شده، چرا که در فضیلت آن آمده است: «کسی که ازدواج می‌کند، نیمی از دینش را

حفظ می‌نماید» (عاملی، ج ۲۰) اما در حقوق لیبرال، در بهترین اوصاف، ازدواج تنها معامله‌ای دو جانبه محسوب و در مواردی به عنوان قید و بندی بر آزادی بی حد و حصر بشری نیز معرفی شده است. بدین ترتیب ازدواج در شریعت اسلامی مبتنی بر ایدئولوژی الهی- برای تعالی بشر و با آثار اخروی تشریع شده، اما در حقوق غربی - که الهام بخش اسناد بین المللی است - تنها عملی مادی و مربوط به دنیای فعلی بشری است.

کنوانسیون مذکور یک مقدمه و ۱۰ ماده دارد که مقدمه آن ازدواج و رضایت به آن را از حقوق بنیادین بشری دانسته است. مقدمه با اشاره به سابقه فعالیت‌های بین المللی درباره ازدواج از جمله ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و قطعنامه ۸۴۳ سال ۱۹۵۴ مجمع عمومی مبنی بر اینکه بعضی رسوم و روش‌های باستانی مربوط به ازدواج با اصول تعیین شده در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر مغایرند، اهداف اصلی این

کنوانسیون را لغو چنین رسوم، قوانین و روش‌های باستانی، تضمین آزادی کامل در انتخاب همسر، حذف کامل ازدواج‌های کودکان و نامزد کردن دختران جوان پیش از سن بلوغ و تعیین مجازات‌های مناسب دانسته است.

مباحث مربوط به ازدواج در کنوانسیون به سه دسته تقسیم می‌شود؛ لزوم تعیین حداقل سن قانونی برای ازدواج، لزوم وقوع هر ازدواجی با رضایت طرفین و لزوم ثبت همه ازدواج‌ها در دفتر اسناد رسمی مناسب. قطعنامه ۲۰۱۸ پا را فراتر گذاشته و درباره حداقل سن ازدواج و ازدواج با رضایت کامل و آگاهانه، توصیه‌هایی در این باره کرده است. این سند نیز همانند کنوانسیون به مباحث سه گانه مذکور توجه داشته و تنها مسئله جدید، ازدواج وکالتی است که مجاز دانسته نشده است. البته آنچه در این دو سند ذکر شده است بر اساس همان مبنای غلط برابری حقوق و تکالیف زن و مرد در جامعه است - که اشاره شد. بنابراین در مجموع از این دو سند در ارتباط مستقیم با نهاد حقوقی ازدواج، می‌توان چهار نکته حقوقی استخراج کرد:

الف- تعیین حداقل سن ازدواج

حداقل سن ازدواج یکی از دغدغه‌های مشترک قانونگذاران بوده است. طرح این موضوع به شکل فراملی بیانگر توجه بین المللی به منظور تعیین تکلیف برای امری است که روزانه در تمامی ملل به کار گرفته می‌شود و مردم با آن سروکار دارند.

در قرآن کریم علیرغم تعیین نشدن حداقل سن برای نکاح، در آیه ۶ سوره مبارکه نساء از عبارت «بلغوا النکاح» استفاده شده است که منظور از آن سنی است که فرد قادر به مواقعه و زناشویی است و مراد صرف بلوغ احتلام نیست (طبرسی، ۱۴۱۵).

بدین ترتیب تعیین نکردن سنی خاص در قرآن کریم برای نکاح در مقابل تعیین سن در اسناد بین المللی این مزیت را دارد که نه تنها سن بلکه شرایط فیزیکی و روانی لازم برای نکاح در قرآن کریم مد نظر بوده و همین امر منجر به کاستن از ازدواج کودکانی می‌شود که علیرغم داشتن حداقل سن، فاقد شرایط لازم برای زندگی زناشویی هستند و نیز امکان ازدواج برای نادر افرادی که بلوغ و آگاهی‌های لازم بلکه نیاز شدید را طبق عرف و تشخیص عقلی اعلام می‌کنند. بنابراین در دیدگاه اسلامی نسبت به اسناد بین المللی در این باره برتری معقولی مشهود است. ماده ۲ کنوانسیون^۲ ۱۹۶۲ در این باره مقرر داشته: «کشورهای طرف این کنوانسیون باید برای تعیین حداقل سن برای ازدواج اقدام قانونی انجام دهند. ازدواج هیچ فردی کمتر از این سن نباید به‌طور قانونی به وسیله هیچ فردی به ثبت برسد...». و اصل دوم قطعنامه^۳ ۲۰۱۸ نیز مقرر کرده است: «کشورهای عضو به منظور تعیین حداقل سن برای ازدواج، که در هر حال نباید کمتر از ۱۵ سال باشد، باید اقدام قانونی به عمل آورند؛ هیچ ازدواجی نباید به وسیله هیچ شخص کمتر از این سن به صورت قانونی به ثبت برسد...». فقدان ضمانت اجرا برای افرادی که به ازدواج در سنی پایین‌تر از سن تعیین شده، به خصوص در قطعنامه ۲۰۱۸ که ۱۵ سال به صراحت مشخص شده است، اقدام کنند، اشکال این مقررات است.

درباره حداقل سن برای نکاح در حقوق ایران از تصویب قانون مدنی در سال ۱۳۱۴ اختلافات زیادی وجود داشته که در طول زمان و با سپری شدن مدت زمان ۶۷ ساله- یعنی با تصویب ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی در سال ۱۳۱۴ تا اصلاح نهایی آن در سال ۱۳۸۱ پس از اصلاحات فراوان، وضعیت فعلی ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی به عنوان حداقل سن نکاح تعیین شده است.

ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی^۴ ۱۳۱۴ مقرر کرده بود «نکاح انثا قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. معذک در مواردی که مصالحی اقتضاء کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثناء

معافیت از شرط سن اعطاء شود ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.» بدین ترتیب با وجود شرایط مذکور، حداقل سن برای صحت نکاح دختران و پسران به ترتیب ۱۳ و ۱۵ سال تمام بوده است.

در سال ۱۳۵۳ با تصویب ماده ۳۳ قانون حمایت از خانواده، این ماده نسخ شد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶).

البته بدیهی است که صرف تعیین حداقل سن برای نکاح - آنچنان که در اسناد بین المللی آمده است- در مقایسه با احکام خاص اسلام - با قید شرایطی - بسیار ناچیز و اندک است، زیرا در فقه شیعه هر چند نکاح با دختر نابالغ کمتر از نه سال سن از نظر شرعی - با ولایت پدر یا جد پدری، وصی یا حاکم شرع- ایرادی ندارد، اما برقراری رابطه جنسی با چنین دختری به نحوی که موجب افضاء او گردد نه تنها موجب ضمان مالی است و شوهر بایستی دیه جنایت خود را که معادل دیه نفس است (حلی، ۱۴۱۹: ۳۸۷). پردازد بلکه این دیه خود دلالت بر عدم جواز ضمنی این عمل دارد.

بدین ترتیب از مباحث حداقل سن نکاح در اسناد بین المللی و حقوق اسلامی چنین برمی‌آید که اسلام به دلیل تکوینی دانستن بلوغ و ضرورت تحقق شرایط فیزیکی و روانی برای تشکیل خانواده و اینکه این شرایط در تمامی افراد و نژادهای بشری در سنی خاص محقق نمی‌شود، با دیدگاهی فرا بشری به تعیین حداقل سن نپرداخته و بسیار برجسته‌تر از اسناد بین المللی درصدد رعایت هر چه بیشتر حقوق کودکان به خصوص دختران که ازدواج در سنین کم در ایشان شایع‌تر است، به دنبال سرکوب این پدیده می‌باشد و چه شایسته است که دنیای امروز نیز از این شیوه بهره‌برد تا بتواند با ازدواج‌های کودکان مقابله کند و شرایط جسمانی و روانی حداقل ملاک لازم برای نکاح در نظر گرفته شود.

بدین ترتیب با مقایسه قواعد مربوط به حداقل سن ازدواج در اسناد بین المللی، شریعت اسلامی و حقوق ایران روشن می‌شود که گرچه اسناد مذکور با این خیال که نکاح در سنین پایین را منع نموده‌اند، ولی به دلیل

فقدان ضمانت اجرا هم در زمینه کیفری و هم درباره وقوع رابطه جنسی با اطفال در قالب نکاح - که خطرات بیشتری از نکاح کودکان دارد- نسبت به احکام شرعی نکاح در دین مبین اسلام ناکارآمدتر می‌باشند، زیرا برقراری رابطه جنسی بیش از تحقق نکاح برای اطفال به خصوص دختران- مضر است که اسلام و قوانین ایران آن را ممنوع کرده‌اند.

۰ قطعنامه ۱۹۴۸/۵۰ مورخ ۲۵ ماده مه ۱۹۸۴ قطعنامه اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (تدابیری برای تضمین حمایت از حقوق محکومان به مرگ)

زنان به عنوان مادر رکن محوری خانواده اند که با حذف ایشان می‌توان در عمل خانواده را ازهم پاشیده دانست، به ویژه اگر باردار باشند یا به تازگی مادر شده باشند در خانواده نقش فزاینده تری دارند. به همین دلیل و برای حفظ ثبات خانواده، نیازمند حمایت هر چه بیشتر نهادهای اجتماعی اند؛ لذا در قطعنامه ۱۹۴۸/۵۰ با پیشنهاد تأخیر در اجرای حکم اعدام، از زنان باردار در مقابل حکم اعدام و از خانواده‌ها در مقابل فروپاشی حمایت شده است.

در بند سوم این قطعنامه آمده است: «... همچنان که مجازات مرگ نباید در مورد زنان حامله یا زنانی که تازه مادر شده‌اند ... اجرا شود.» هدف این بند جلوگیری از انحلال خانواده به عنوان نهاد اجتماعی مؤثر در پیشگیری از بسیاری از ناملایمات اجتماعی است.

البته فقه شیعه به دلیل اهمیت خاصی که برای خانواده و اعضای آن قائل است، صدها سال پیشتر از قطعنامه مذکور نسبت به این موضوع تدابیر خاصی پیش بینی کرده و اجرای حدودی را که بالذاته موجب مرگ مجرم نباشند تا رفع بیماری به تأخیر می‌اندازد (محقق اردبیلی، ج ۱۳: ۷۱).

در حقوق ایران نیز با الهام از آموزه‌ها و دستورات شرع مقدس اسلام به این امر توجه شده و در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ ماده ۳ آیین نامه نحوه اجرای احکام اعدام، رجم، صلب، قطع یا نقص عضو ۱۳۷۰ به منظور حفظ خانواده از تلاشی، اجرای اعدام و مجازات‌های سالب حیات هنگام بارداری زن یا ایام شیرخوارگی کودک منع شده است و در مجموع برای زن تخفیف‌ها و تأخیرهای ویژه‌ای در نوع و نحوه و زمان اجرای مجازات مطابق مصالح خانواده در نظر گرفته شده است.

۰. قطعنامه ۱۷۳/۴۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۹ دسامبر (۱۹۸۸) مجموعه اصول برای حمایت از افراد در هرگونه بازداشت یا زندان)

سند دیگری که به خانواده و ثبات روانی آن توجه داشته مجموعه اصول برای حمایت از افراد در هرگونه بازداشت یا زندان است. در این سند به منظور اطلاع خانواده از بازداشت شدن یکی از اعضا در جهت رعایت حقوق خانوادگی و خارج شدن اعضای خانواده از تشویش ناشی از نبود عضو خود، بازداشت کنندگان ملزم به اطلاع رسانی درباره فرایند بازداشت شدن فرد به خانواده او هستند.

بدین ترتیب اصل ۱۶ سند مذکور مقرر کرده است: «فرد در بازداشت یا زندان، باید این حق را داشته باشد که بی درنگ پس از دستگیری و پس از هر بار انتقال از یک محل بازداشت یا زندان به محلی دیگر، اعضای خانواده‌ی خویش را از دستگیری، بازداشت یا زندانی شدن خویش یا منتقل شدن و همچنین از محل نگهداری خود آگاه سازد، یا از مقامات صالح بخواهد که آنان را آگاه سازند.»

اطلاع رسانی فوری بازداشت فرد به خانواده او در مقایسه با حقوق داخلی ایران پیشنهادی پسندیده و درخور محسوب می‌شود که مقبول قانون‌گذار داخلی نیز قرار گرفته است. با این حال از آنجا که در شریعت اسلامی موارد صریح منجر به حبس و زندانی شدن فرد محدود است و مجازات‌ها اغلب مالی یا بدنی بوده، اطلاع رسانی در زمینه بازداشت شدن فرد به دلیل منتفی بودن آن به جز در موارد استثنایی مانند نگه داشتن مظنون به قتل به مدت شش روز، سال به به انتفای موضوع بوده است.

بند ۵ ماده واحده «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مصوب ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی، به این مهم توجه و مقرر کرده: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.» بنابراین به نهاد اجتماعی خانواده در این مورد نیز توجه و این حق قانونی برای اعضای آن ترسیم شده است که به محض دستگیر شدن یکی از اعضای آن به منظور رفع تشویش خاطر سایر اعضای خانواده فرد دستگیرشده، مقامات مسئول و دستگیرکنندگان نسبت به بازداشت یا دستگیر شدن عضو خانواده اطلاع‌رسانی کرده و از نگرانی ایجاد شده به دلیل ناپدید شدن ناگهانی او جلوگیری کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

پدیده ازدواج زودهنگام کودکان در ایران از انواع ازدواج می‌باشد که حداقل یکی از طرفین کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشند. این پدیده در اکثر کشورهای دنیا وجود دارد و تلاش جامعه جهانی برای پیشگیری و کاهش آن شروع شده است. این آسیب اجتماعی در ایران نیز از سوی هنجارهای سنتی و فرهنگی مورد تایید قرار گرفته است، باوجود مطالبه مکرر جامعه مدنی و فعالان اجتماعی از سوی دولت مسکوت مانده است و گام موثری برای مقابله با آن برداشته نشده است.

نکاح نیاز به آمادگی و بلوغ جسمانی و فکری طرفین دارد. باید گفت، بلوغ کودک پایان دوره طفولیت وی و ورود او به دنیای دیگری است. ازدواج در سنین پایین در درصد بالایی از موارد نه به دلیل تمایل شخصی و رسیدن به بلوغ جنسی رخ می‌دهد، که به دلیل فقر خانواده، خرده فرهنگ‌های غلط اجتماعی و داشتن پدران ضعیف رخ می‌دهد.

از سوی دیگر، در این دسته دختران میزان اطاعت‌پذیری محض بیشتر است که زندگی مردسالار را ساده تر می‌کند. تمتع و لذت جویی جنسی بیشتر مردان از طراوت دختران کم سن و سال نیز باعث گرایش به این نوع ازدواج شده است.

ازدواج زودهنگام حکم به پایان ناگهانی کودکی داده و با بازداشتن کودکان از رشد فیزیولوژیکی و جسمی لازم برای آمادگی ذهن و جسم و فکرشان برای تبدیل شدن به همسرانی بالغ، والدینی آگاه و در کل شهروندانی کنشگر، آن‌ها را با بی‌رحمی به دنیای بزرگسالی هل می‌دهد.

حق ازدواج و تشکیل خانواده حقی است که هم در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و هم در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به آن اشاره شده است. این حاکی از این است که دولت نه تنها نباید آزادی‌های فرد را در این خصوص سلب کند بلکه باید تدابیر لازم برای حمایت از آزادی فرد در مقابل دیگران را فراهم کند. ایران نیز عضو میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی می‌باشد و به عهدنامه حقوق کودک نیز پیوسته است البته با اعلام حق شرط کلی نسبت مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی هستند که این نیز خود جای بحث دارد.

تفاوت نیازها و اقتضائات زندگی در جوامع صنعتی و توسعه یافته با جوامع در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته برای مثال تفاوت در نقش آموزش رسمی برای ورود به بازار کار در این دو مدل از جوامع و تفاوت در محدودیت، ممنوعیت و عدم ممنوعیت برقراری روابط جنسی قبل از سن ۱۸ سال در کشورهای مختلف بویژه از زمانی که فرد به سن رضایت می‌رسد را می‌توان از دلایلی فرض کرد که مانع از مشخص کردن یک سن قطعی به عنوان حداقل سن ازدواج در اسناد بین المللی شده است.

با مقایسه احکام مترقی اسلام و مقررات اسناد بین المللی درباره‌ی خانواده روشن شد که هر چند اسناد مذکور به زعم خود و با هدف نوآوری در عرصه‌های خاصی از ساختارهای حقوقی خانواده اقدام کرده‌اند، اما درمی‌یابیم که بسیاری از مسائل مطرح در این اسناد با بررسی مبانی، فقه و احکام شریعت اسلامی به سادگی به دست می‌آیند و گاهی تفاوتها در مبانی نظری دو دیدگاه سکولار و دینی است که آثار آن در حقوق و احکام نمایان شده است.

هر چند اسناد مذکور با هدف ارائه حمایتها و ایده‌های جدید در عرصه ساختارهای حقوقی خانواده منعقد شده‌اند، اما به دلیل نگاه تکبعدی در تهیه اسناد بین المللی به مبانی حقوق غربی و برتر انگاشتن مبانی

سکولار حقوق لیبرال دموکراسی نسبت به سایر نظامهای حقوقی به خصوص نظام حقوقی اسلام و غافل بودن از آموزه‌های جاودان الهی در قالب شریعت مبین اسلام، نه تنها به نوآوری نپرداخته‌اند بلکه به اموری اشاره کرده‌اند که گاهی مسلمین در آموزه‌های دینی-اخلاقی خود با آن سر و کار داشته و از آن در تنظیم روابط حقوقی خانواده در جامعه خود بهره می‌برند و بعضی نیز نه تنها مطابق مصالح خانواده نیست بلکه با طبیعت و فطرت انسانی نیز مغایرت دارد.

شریعت اسلام به دلیل تشریع فرابشری و الهی در سایر ساختارهای حقوقی خانواده، برای مثال در تعیین حد اقل شرایط و نه حداقل سن لازم برای نکاح، لزوم رضایت کامل زوجین در نکاح، پذیرش نکاح و کالتی به دلیل ظرافتهای اجرای صیغه نکاح و ... اقدامات اساسیتری را نسبت به اسناد بحث شده در جهت تعالی خانواده و رعایت حقوق زنان در خانواده انجام داده است.

کودک همسری به معنای ازدواج در سنین قبل از ۱۸ سالگی است. هر چند ازدواج از جمله مسائلی است که نمی‌توان سن مشخصی برای آن تعیین کرد اما افراد پیش از ۱۸ سالگی علیرغم بلوغ جسمی به آن حد از بلوغ عقلی دست نیافته‌اند که وارد زندگی مشترک شوند منتها به دلایلی چون فقر فرهنگی و اقتصادی این امر به وقوع می‌پیوندد و نتیجه آن میشود که مشکلات روحی و جسمی مختلفی گریبان زوج کودک، خانواده‌ی طرفین و جامعه را خواهد گرفت.

یکی از اقدامات برای پیشگیری از کودک همسری، آگاهی نسبت به پیامدهای این معضل است. محرومیت کودک از اصلی‌ترین حقوق خود چون آموزش و بهداشت و نیز نتایجی مانند خشونت خانگی و اقدام به خودکشی و به تبع آن درگیری جامعه با این مشکلات، برانگیزاننده شهروندان برای پیشگیری از کودک همسری است.

ازدواج زودهنگام کودکان فقط در فرهنگ ای خاص است که منطقی و عقلانی به نظر میرسد، با توجه به خسارات و آسیب‌هایی که ازدواج در سنین پایین بر اشخاص وارد میکند و بر هیچ کسی پوشیده نیست. جای تعجب است که دولت‌ها، سیاست‌گذاران و قانونگذاران تاکنون در ریشه‌کن کردن ازدواج زودهنگام کودکان توفیقی نداشته‌اند و نسبت به این موضوع غافل بوده‌اند. البته شاید بتوان دلیل غفلت دولت‌ها را با مسائل جمعیت شناختی مرتبط دانست، بنابراین دولت‌ها توجهی به این پدیده نکرده و حتی می‌توان گفت خودشان از ادامه دهندگان آن به شمار می‌آیند. وضعیتی که در زنجیره نابرابری جنسیتی تحت تأثیر و توقعات اجتماعی، خشونت فرهنگی، کلیشه‌های جنسی، مسائل قومیتی و همچنان تداوم می‌یابد و تغییر این شرایط نیازمند سیاست‌گذاری‌های مناسب و پیدا کردن و یافتن راهکارها برای کاهش و ممنوعیت این قبیل ازدواج‌ها است.

به نظر می‌رسد هنگامی که فقر عامل تعیین کننده گرفتن تصمیمات اشتباه والدین برای کودکان است ازدواج زودهنگام دختران خردسال به عنوان راه حلی عملی جهت کاهش مایحتاج مالی خانواده قلمداد می‌شود. فقر می‌تواند مانند یک نیروی قدرتمند، والدین کودک را وادار کند تا با ازدواج زودهنگام پناهی برای دختران خود پیدا کنند. خانواده‌ها ازدواج در سنین پایین را هم برای خود و هم

برای کودک خود بهتر و مفیدتر می‌دانند. احتیاجات دختران دیگر منابع ناچیز خانواده را خالی نگذاشته و یک فرصت برای زندگی بهتر را نصیب وی می‌کند. ازدواج زودهنگام کودکان تبدیل به یک راه فرار از فقر و خشونت‌های جنسیتی شده است. بنابراین والدین از کودک همسری به عنوان ابزاری برای تسکین فقر استفاده می‌کنند و در بعضی فرهنگ‌ها دریافت مبلغی پول در قبال ازدواج دختر بچه یک امر عادی و نرمال است. ولی باید توجه داشت که رسم ازدواج کودکان با خشونت و مشقت اقتصادی تشدید می‌شود. هنگامی که شرایط اضطراری انسانی جوامع را مختل کند، بافت و ساختارهای اجتماعی محافظ کودکان از بین خواهد رفت. والدین به ازدواج دادن بچه‌هایشان به عنوان مکانیسمی برای دست‌وپنجه نرم کردن با این بلایا متوسل می‌شوند تا درجاتی از امنیت و رفاه را برای دخترشان خصوصاً در زمانی که خطر خشونت جنسی افزایش می‌یابد، تضمین کنند. احساس کمبود امنیت محرک کودک همسری است. ازدواج زود هنگام محافظ و پاسخی به احساس ناامنی ناشی از جنگ و درگیری‌های داخلی می‌شود. چنانچه در نتایج تحقیقات دیده شد، در مکان‌هایی که درگیری‌های داخلی، جنگ یا کشمکش وجود داشت ازدواج کودکان دروازه‌ای به زندگی امن‌تر برای کودک در نظر گرفته می‌شد. به همین جهت دولت‌ها باید تمرکز بیشتری در این زمینه کنند و با قانون گذاری مناسب از ازدواج کودکان جزء در موارد استثنائی خودداری کنند.

پیشنهادهای

۱. بین سن و رضایت به ازدواج ارتباط معناداری وجود دارد و ازدواج کودکان ازدواج اجباری محسوب می‌شود ولی در ایران ازدواج زیر حداقل سن ازدواج نیز با اذن ولی و تشخیص مصلحت در دادگاه، ازدواج اجباری محسوب نمی‌شود.
۲. تعیین حداقل سن ازدواج و تأکید بر رضایت به ازدواج و ارتباط مستقیم این دو در مورد کودکان مورد تأکید است و دولت‌های عضو مکلف به قانون گذاری درباره حداقل سن ازدواج و اجباری کردن ثبت ازدواج و جرمانگاری عدم رعایت آن هستند و قانون گذار ایرانی نیز قوانینی را در این خصوص به تصویب رسانده است ولی با توجه به قابل عدول بودن حداقل سن با شرایطی، گویی در زمره کشورهایی است که حداقل سن ازدواج را مشخص نکرده‌اند.
۳. علیرغم عدم تعیین حداقل سن ازدواج واحد در اسناد بین المللی که بین ۱۵ تا ۱۸ سال در نوسان است، قطعنامه ها و نظریات تفسیری در این خصوص وجود دارد و این سن باید به نحوی تعیین شود که زوجین بتوانند رضایت کامل و آزاد خود را بهشکلی که در قانون مشخص شده ابراز کنند. در ایران حداقل سن ازدواج ۱۳ برای دختر و ۱۵ سال برای پسر تعیین شده است.
۴. از زمان تصویب عهدنامه حقوق کودک و اسناد و نظریات تفسیری بعد از آن، تأکید بر حداقل سن ۱۸ سال برای ازدواج است و اگر این حداقل سن کمتر از ۱۸ سال باشد تنها می‌توان با دلایلی جدی و سختگیرانه و با احراز منفعت یا مصلحت کودک توسط دادگاه تصمیم گرفت. در ایران حداقل سن ازدواج نیز با اذن ولی و اجازه دادگاه قابل عدول است؛
۵. معیارهای مصلحت باید در قانون مشخص شود تا از تصمیمات خودسرانه و متفاوت در موارد مشابه جلوگیری شود لیکن این معیارها در قوانین ایران مشخص نیستند. در سال ۱۳۹۱ بنابر آمار ثبت احوال ۷۵ مورد ثبت ازدواج زیر سن ۱۰ سال در تهران انجام شده است و نظر به اینکه ثبت این ازدواج‌ها بدون مجوز دادگاه امکان پذیر نیست اینکه چگونه دادگاه چنین ازدواجی را به مصلحت طفل تشخیص داده است نیز جای تأمل دارد. ضمن اینکه آمارها هم چنین حاکی از ثبت ازدواج‌هایی هستند که در آن دختر بچه ها با مردانی ازدواج کرده‌اند که حداقل بیش از دو برابر سن آن‌ها را دارد (برای اطلاع از آمار دقیق به سایت ثبت احوال مراجعه شود) ؛
۶. گرایش اسناد به مشخص کردن سن مساوی برای دختران و پسران برای ازدواج است زیرا علاوه بر بلوغ جسمی، برای ازدواج، بلوغ عاطفی، روانی و اجتماعی نیز لازم است و صرف تفاوت در سن بلوغ نباید منجر به تفاوت حداقل سن دختر و پسر برای ازدواج باشد و باید دلایل عینی و منطقی برای این تفاوت ارائه شود. در قانون ایران این سن برای دختر ۱۳ و برای پسر ۱۵ سال می‌باشد که این تقریباً با سن بلوغ پسر منطبق می‌باشد و اگر چه سن بلوغ دختر در قانون مدنی ایران ۹ سال تعیین شده ولی سن ۱۳ سال به سن واقعی بلوغ جسمی دختران در بسیاری از مناطق ایران نزدیکتر است؛ بنابراین می‌توان گفت که حداقل سن ازدواج در ایران با سن بلوغ جسمی انطباق دارد.

۷. با توجه به اصل حاکمیت اراده و در نظر داشتن تفاوت‌های فرهنگی، دینی و قانون‌گذاری کشورها و نیز بررسی اسناد مربوط در مورد سن کودک به نظر می‌رسد اصل بر آزادی کشورها در تعیین سن کودک است. لیکن به منظور یکپارچگی و جلوگیری از سوءاستفاده کشورها در راستای رعایت مصلحت و غبطه کودکان، تعیین یک معیار مشخص هر چند دشوار لازم و ضروری است.
۸. کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ هیجده سالگی را به عنوان سن کودک ملاک عمل قرار داده و در بسیاری از موارد از جمله شرکت در مخاصمات مسلحانه و سن مسؤولیت کیفری و... کشورها را محدود و ملزم به اجرای مفاد کنوانسیون می‌کند.
۹. استفاده از معیار ۱۸ سالگی با توجه به تجمع بیش از یک چهارم کودکان جهان در کشورهای اسلامی و عدم توجه به معیار سنی آن‌ها امری ناپسند است که اهداف جامعه جهانی در مورد کودکان را پوشش نمی‌دهد.
۱۰. عمده‌ترین دلیل تفاوت آرای فقها با موضع کنوانسیون در رابطه با تعیین سن کودک، این است که فقها در تعیین مفهوم سن کودک به بلوغ توجه داشته‌اند؛ در حالی که در اسناد بین المللی تنها معیار برای تعیین سن کودک را، رشد دانسته‌اند که اصطلاحی کاملاً متفاوت از بلوغ محسوب می‌گردد.
۱۱. تعیین سن ۱۸ سالگی، استقلال و حاکمیت اراده کشورها را مخدوش نمی‌کند؛ زیرا اگر کشورهای عضو بخواهند، می‌توانند با اعمال حق شرط، عدم رضایت خود را از برخی مواد اعلام نمایند؛ هر چند در اسناد بین المللی حق شرط بر برخی مواد ممنوع اعلام شده است.

منابع

- احمدی، کامیل، ۱۴۰۰، طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران، دانمارک: انتشارات آوای بوف.
- احمدی، کامیل، ۱۴۰۰، نقش ازدواج موقت TM در ترویج کودک همسری ECM در ایران، نشریه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره هفتم، شماره ۳.
- اعتدال، محمد، ۱۳۸۹، اعتبار و اهمیت رویه قضایی، شیراز: انتشارات نوید.
- افتخارزاده، سید، ۱۳۹۴، تجربه زیسته زنان در ازدواج زود هنگام، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، بهار، شماره ۳.
- جعفری لنگرودی، جعفر، ۱۳۸۸، ترمینولوژی حقوق. نشر گنج دانش.
- سیاه بیدی کرمانشاهی، سعید، بهرامپوری، رسول، ۱۳۹۸، تحلیل فقهی حقوقی کودک همسری در پرتو انتقادات وارد بر آن تلاشی برای ارائه پیشنهاد مطلوب. نشریه علمی و فرهنگی تربیتی زنان و خانواده. سال پانزدهم، شماره ۵۲.
- صفایی، سید حسین. امامی، اسدالله، ۱۳۹۳، مختصر حقوقی خانواده، چ چهلم، تهران: میزان.
- صفوی، حنا سادات و مینایی، ماه گل، ۱۳۹۴، تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر مطالعه ازدواج زود هنگام دختران آران بیدگل، پژوهش نامه زنان.
- طبرسی، علامه، ۱۴۱۵، تفسیر مجمع البیان المؤلف. لبنان، بیروت.
- گرچی، ابوالقاسم و دیگران، ۱۳۹۲، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- مقدادی، محمد مهدی و جوادپور، مریم، ۱۳۹۶، تأثیر ازدواج زود هنگام بر سلامت جنسی کودکان و ساز و کارهای مقابله با آن، فصلنامه حقوق پزشکی، سال یازدهم، شماره ۴۰، بهار.
- منشور آفریقایی حقوق بشر و خلقها، ۱۹۸۸.
- منشور آمریکایی حقوق بشر و خلقها، ۱۹۷۸.
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب، ۱۹۶۶.
- میثاق حقوق کودک اسلام مصوب، ۲۰۰۵.

Convention concerning minimum age for administrator employment (26 June 1973). (ilo. org).

Convention on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages (7 November 1962). (un.org)

Greenbaum, C. (2006). protection of children during armed political conflict. North America, Antwerpen- Axford.

International covenant on civil and political rights (16december1966) (un. org).

Optional protocol to the convention on the rights of the child on the involvement of children in armed conflict (25 May 2000) (un.org)

Recommendation on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages (1 November 1965) (un.org)

Rome statute of international criminal court (17june 1998) (un.org)

United Nations rules for the protection of juveniles deprived of their liberty (14december 1990) (un. org).

United Nations standard minimum rules for the administration of juvenile justice (29november 1985) (un. org)

Legal examination of Child marriage and the Damages Caused by it from the Perspective of Human Rights and International Documents

Ahlam Taie

Master's student, International Law, Law, Payam Noor University, Dezful, Khuzestan, Iran

Abdolkarim Shaheidar

Assistant Professor, Law, Payam Noor University, Tehran, Iran

Abstract

Marriage in most of today's societies, and especially in traditional societies, is the starting point of marriage and family with birth. The child becomes complete, this right is also in the covenant of civil and political rights and the covenant of economic, social and other rights. A culture has been mentioned which indicates the inalienability of human rights. Marriage of children to The reason for the prevalence and the irreparable effects it has on their situation, especially on girls, is one of the concerns of the international community, which has been addressed in international human rights documents by emphasizing the importance of determining the minimum age of marriage and its relationship with consent to marriage. Is. According to these documents, the member countries are required to determine the minimum age for marriage, which must be determined in such a way that a person's consent to marriage can be considered valid. Of course, simply determining this age and criminalizing early and forced marriage without addressing its roots not only does not solve this problem, but can overshadow other rights of the individual.

Keywords: Child marriage, International documents, Human rights, Early and forced marriage, Principle of non-discrimination.